



امین‌الاسلام تهرانی

# مرز بحران در چین و دریای چین جنوبی

زیردریایی‌ها دیدگاه چین این است: «بیابید فرض کنیم که حریف من می‌تواند هر کدام از زیردریایی‌های هسته‌ای مجهز به سلاح‌های بالستیک ما را موقعیت‌یابی کند. بعد من تعداد کلاهک‌ها را از ۵۰۰ به ۱۰۰۰ شاید حتی تا ۱۵۰۰ افزایش می‌دهم، چون حتی اگر طرف مقابل ۹۵ درصد آن‌ها را نابود کند، همچنان تعدادی برای پاسخگویی برابم باقی مانده است. در این میان، زیر شهرهای تونل می‌سازم همان‌طور که چین در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی انجام داد، زمانی که لئونید برزنف، رهبر شوروی چین را تهدید کرد. این موضوع واکنش چین را توضیح می‌دهد.» این دقیقاً یعنی نظامی‌تر شدن بیش از پیش در فضای که به شدت شبیه فضای جنگ سرد در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم است. حالا با توجه به آن چه در بالا گفتیم، باید به این خبر توجه کنیم که «رقابت تسلیحاتی در زیر دریا در حال تشدید است و چین تولید نسل جدیدی از زیردریایی‌های مجهز به سلاح هسته‌ای را آغاز می‌کند که انتظار می‌رود برای اولین بار چالش برای تلاش‌های رو به رشد آمریکا و متحدانش برای ردیابی آن‌ها باشد. تحلیلگران و وابسته‌های دفاعی منطقه‌ای می‌گویند، شواهدی در حال پدیدار شدن است که چین در مسیر عملیاتی کردن زیردریایی مسلح به موشک بالستیک نوع ۰۹۶ خود تا پیش از پایان دهه جاری است و پیشرفت‌هایی با کمک بی‌سر- و صدای فناوری روسیه صورت گرفته است.»

آمریکا بر اساس پیمان امنیتی ۸ سپتامبر ۱۹۵۱ معروف به پیمان سانفرانسیسکو و پیمان بعدی ۱۹۶۰ متعهد به دفاع از تمامیت ارضی ژاپن است. بنا بر این به‌طور طبیعی در دعوی بین ژاپن با سایر کشورهای مورد حمایت آمریکا قرار دارد. در مورد دعوی کشورها در دریای چین جنوبی آمریکا تا سال‌های اخیر از موضع گیری تند بنبغ کشورهای منطقه پرهیز می‌کرد اما روز ۲۳ تیر ۱۳۹۹ وزیر خارجه وقت آمریکا طی بیانیه شدیدالحنی اعلام کرد که دولت ایالات متحده ادعاهای پکن درباره دریای چین جنوبی را غیرقانونی می‌داند. مایک پمپئو، وزیر وقت خارجه آمریکا، با اعلام اینکه ایالات متحده از اقیانوس هند و پاسفیک آزاد و باز پشتیبانی می‌کند، گفت: امروز ما سیاست آمریکا را در بخش حیاتی منطقه مورد اختلاف دریای چین جنوبی، توسعه می‌دهیم. ما کاملاً شفاف اعلام می‌داریم که ادعاهای پکن درباره حاکمیت فرانسوا در سرتاسر بخش عمده‌ای از دریای چین جنوبی، که با زورگویی قصد دارد آنها را کنترل کند، کاملاً غیرقانونی است و ادعای پکن مبنی بر حاکمیت آب‌های فراتر از محدوده ۱۲ مایلی این کشور از جمله آب‌های مناطق در سواحل، اندونزی، ویتنام، برونئی و مالزی را نمی‌پذیرد. پمپئو همچنین گفت که آمریکا در حال همسو کردن موضع خود با تصمیمی است که در یک دوری مدنی بین‌المللی در سال ۲۰۱۶ (به‌رخواست فیلیپین) گرفته شد و ادعاهای چین را بدون پایه و اساس قانونی خواند و آن را رد کرد. او افزود دنیا اجازه نخواهد داد که پکن با دریای چین جنوبی به مثابه امپراتوری دریایی خود برخورد کند. بیانیه اخیر آمریکا نشان‌دهنده این بود که واشنگتن اکنون موضع تقابل جویانه‌تری را دنبال می‌کند.

نویسنده وال استریت ژورنال نوشته بود، در روزهای اخیر علی‌رغم آن که چشم‌انداز جهان به وحشت آشکار ایجاد شده ناشی از جنگ اخیر در خاورمیانه دوخته شده چین مشغول اعمال فشار در دریای چین جنوبی بوده است. در آب‌های بین‌المللی مورد ادعای چین در اطراف جزایر اسپراتلی، یک کشتی گارد ساحلی چین و یک کشتی چینی دیگر به سوی یک قایق و یک کشتی گارد ساحلی فیلیپین بورش بردند. وزارت خارجه آمریکا واکنشی شدید نسبت به این موضوع نشان داد و اعلام کرد اقدامات چین قوانین بین‌المللی را نقض می‌کند، اما به نظر می‌رسد پکن تحت تاثیر این هشدار و اعتراض قرار نگرفته است. همان گونه که خوانندگان این ستون می‌دانند مهم‌ترین تحول بین‌المللی تحت نظر بایدن رئیس‌جمهور ایالات متحده فرسوده شدن بازدارندگی آمریکا بوده است. توجه واشنگتن به طور قابل درکی معطوف به تهدید یک جنگ گسترده‌تر در خاورمیانه است. تلفات انسانی و اقتصادی قابل توجه خواهد بود و ممکن است ایالات متحده وارد درگیری نشود. با این وجود، اگر فرسایش قدرت بازدارندگی آمریکا، چین و کره شمالی را به سوی

چین به لحاظ مجموعه‌ای از عوامل، پتانسیل یک قدرت بزرگ را دارد. این عوامل دربرگیرنده مؤلفه‌های متعددی مثل اقتصاد بسیار قوی، جمعیت زیاد، سرزمین وسیع، آهنگ توسعه بی‌نظیر، سلاح هسته‌ای، حق و تو در شورای امنیت سازمان ملل و موقعیت ژئوپولیتیکی است. با وجود چنین قابلیت‌هایی، برخی از کارشناسان می‌گویند که هنوز نمی‌توان در قیاس با آمریکا و یا اتحاد شوروی در دوره جنگ سرد، از جمله به عنوان یک ابرقدرت جهانی یاد کرد و برای این ادعا شواهد و نمونه‌های می‌آورند؛ از جمله این موانع و مشکلات می‌توان به مسائل جامعه داخلی چین؛ مثل فقر در چین، مشکلات ناشی از آلودگی محیط زیست اشاره داشت. از سوی دیگر، از لحاظ منطقه‌ای و بین‌المللی نیز گفته می‌شود که چین قادر به حل بسیاری از منازعات پیرامون خود نیست، این کشور هنوز نقش محوری در دستور کارهای جهانی ندارد، در نهادهای بین‌المللی کشور چین عمدتاً وضعیت همراهی یا حداکثر موضعی بی‌طرفانه یا خنثی را در مدیریت بحران‌های بین‌المللی اتخاذ می‌کند و کمتر دیده شده است که این کشور فعالانه طراح الگوهای مدیریت امنیت جهانی باشد. اما گویا مسئولان آمریکایی نظری دیگر دارند. چندی پیش «آنتونی بلینکن»، وزیر خارجه آمریکا، در حالی که بار دیگر در مورد تایوان هشدار داد، تأکید کرد: «من فکر می‌کنم آن چه که چین به دنبال آن است این است که از لحاظ نظامی، اقتصادی و دیپلماتی قدرت مسلط در جهان باشد.» در واقع آمریکا با تفسیری که از رشد چین دارد و با واکنشی که نسبت به این تصور نشان می‌دهد، به گونه‌ای به رشد چین جهت می‌دهد، چرا که چین هم نسبت به واکنش‌های آمریکا، واکنش از خود نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که برآیند این واکنش‌ها به گونه‌ای به نظامی‌تر شدن چین انجامیده است.

تمرکز بر روی چین سیاست کلی آمریکا و مطابق با استراتژی امنیت ملی این کشور است و با رفت و آمد و رؤسای جمهور تغییر نمی‌کند؛ چرا که سرعت پیشرفت چین در سال‌های اخیر (با محوریت آمریکا) را شش‌پا تکرار کرده است، از آن رو که پیشرفت چین را مساوی با افول خود تفسیر می‌کنند. کارشناسان بارها یادآوری کرده‌اند، چین و آمریکا قطعاً در یک رویارویی تند (اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک و امنیتی) هستند. یکی از محورهای رویارویی پکن-واشنگتن که چند سال اخیر است ابعاد تازه‌ای پیدا کرده است و شدت فراوانی یافته، مسئله جزیره تایوان و آب‌های مورد مناقشه اطراف آن است. چنان‌که در خبرها دیروز و امروز خواندید که «سفیر چین در واشنگتن در هشدارهای تند به آمریکا درخصوص حمایتش از استقلال تایوان، گفت تداوم چنین سیاستی می‌تواند منجر به درگیری نظامی بین پکن و واشنگتن شود... او مسئله تایوان را مهم‌ترین وضعیت خطرناک بین چین و آمریکا توصیف کرد.» البته اصل ماجرا فراتر از مسئله تایوان است. باید بر دریای چین جنوبی تمرکز کرد.

بی‌شک چین در مسیر تبدیل شدن به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان است. مسئله تنها اقتصاد نیست؛ چین یک قدرت فراگیر خواهد بود و آمریکا از آن احساس خطر می‌کند. آمریکا چین را تهدیدی در برابر سلطه جهانی‌اش می‌داند و تمام تلاشش را برای کاهش سرعت چین حتی در صورت امکان برای متوقف کردن آن به‌کار می‌گیرد. چینی‌ها هم این موضوع را می‌دانند. چین در حال ارتقاء زرادخانه هسته‌ای خود است. به‌زودی می‌تواند به جای ۴۰۰ کلاهک، ۱۰۰۰ یا ۱۵۰۰ کلاهک داشته باشد. سرعت چین برای توسعه تسلیحات هسته‌ای به نیاز این کشور به قابلیت‌های ضدحمله برمی‌گردد؛ مانند توانایی پاسخگویی به یک حمله هسته‌ای با یک حمله متقابل. چینی‌ها می‌دانند که آمریکا می‌خواهد این توانایی را از آن‌ها بگیرد. از سوی دیگر آمریکا احساس می‌کند که بدون توانایی بازدارندگی هسته‌ای، چین احتمالاً در جنگ متعارف بر سر تایوان پیروز خواهد شد. پس آن‌ها می‌خواهند چین را با یک حمله هسته‌ای تهدید کنند و این یعنی فضای مساعد برای ایجاد یک جنگ سرد. در فضای جنگ سرد منافع بسیاری در دریای چین وجود دارد؛ آن‌ها تایوان هم در آن قرار دارد و وجود دارد، نسه به‌خاطر آزادی دریانوردی که هیچ‌وقت مسئله‌ای بفرنج نبوده است، بلکه به‌خاطر جنگ

